

مادی گرایی و فرایند بی دینی

نویسنده:

محمد شاکر الشریف

مترجم:

محمد ابراهیم کیانی

عنوان کتاب:	مادی گرایی و فرایند بی دینی
عنوان اصلی:	الحسبة السياسية والفكرية
تألیف:	محمد شاکر الشریف
ترجمه:	محمد ابراهیم کیانی
موضوع:	اسلام و دیگر ادیان و مکاتب فکری
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده
است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

أ	فهرست مطالب
۱	یادداشت مترجم
۳	مقدمه‌ی شیخ جبرین
۵	مقدمه‌ی نویسنده
۷	درآمدی بر مادی‌گرایی
۹	چگونگی پیدایش مادی‌گرایی
۱۳	اشکال و گونه‌های مادی‌گرایی
۱۷	طبقات مادی‌گرایان
۱۸	پیامدهای مادی‌گرایی در جهان اسلام
۲۳	وسایل و راه‌های ماده‌باوران برای تحریف مفاهیم دینی در میان مسلمانان
۲۷	وظیفه‌ی مسلمانان
۳۵	پی‌گفتار

یادداشت مترجم

الحمد لله وكفى والصلاة والسلام على رسوله المصطفى

در جهان امروز که جنس بشر، دوره‌ی گذار از پیشرفت و در کنار آن پوچی روحی و روانی را پشت سر می‌نهد، باورها و مکاتب مختلفی نیز رواج می‌یابد. خاستگاه پیدایش و رواج عمده‌ی این مکاتب که اغلب با شعارهای بشردوستانه، همراه می‌باشد، تراوشات فکری و ذهنی بشر نوامید از فرجام است، ورود و نفوذ باورهای نوین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی به حوزه‌ی تفکرات دینی غربیان از یک سو و بیگانگی برخی از مسلمانان ناآگاه از داده‌های دین ناب اسلام از دیگر سو، باعث شده تا دسیسه‌ی نابودی اسلام و مسلمانان با اندیشه‌ها و مکاتب نوپدیدار، هم‌سو و همراه شده و در قرن پیشرفت‌باوری، بدترین و ناگوارترین، فجایع ضد اسلامی به نام جنگ با تروریست، انجام شود و ائتلاف کفر بر ضد اسلام و مسلمانان، در قالب ستیز با مخالفان دموکراسی، توجیه‌پذیر گردد و در هر لحظه از جاهلیت و وحشی‌گری قرن حاضر، صلیبی‌ها، تراژدی جدیدی از قتل و کشتار مسلمانان را بسازند. برخی، برای خودرهایی از دسیسه‌ی دشمنان خدا، به بهانه‌ی پیشرفت‌باوری، آرا و افکار غربیان را پذیرفته و کوشیده‌اند تا گرایش‌های فردی خود را با داده‌ها و آموزه‌های ناب اسلام، درآمیزند. بدین‌سان بسیاری از اندیشه‌های نوپدیدار غربی با همان عناوین غربی و یا با نام‌های دیگر و زیر پوشش‌هایی اسلامی، در خدمت توسعه و تحقق اهداف زورمداران و سیطره‌جویان جهان قرار گرفته است. عرضه‌ی ناقص و ناتوان دین توسط برخی مسلمانان ناآگاه و یا بی‌دینان آگاه، به سردرگمی و در نهایت خفت و زبونی امت اسلامی دامن زده و امت سرفراز

پیشین را به خس و خاشاک روی آب، تبدیل کرده است، آری، وضعیت کنونی جهان اسلام به کابوس وحشتناکی می‌ماند که هر اندیشمند غم‌خواری را به اضطراب می‌اندازد. اینک مسلمانان، چرای این خفت را یافته‌اند، اما از دست‌یابی به چگونگی رفع این خفت که بازگشت یک‌پارچه به دین جامع و کامل اسلام است، باز مانده‌اند.

در کتاب پیش رویتان، سعی شده تا اندیشه‌ی ماده‌باورانه به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های فکری غربیان در تمام مکاتب و روی‌کردهایشان، مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. چیستی و پیشینه‌ی تفکر مادی‌گرایی، دلایل رشد و رواج آن و هم‌چنین پیامدهای ناشی از پیدایش و گسترش مادی‌گرایی، از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این کتاب‌چه می‌باشد. امید است که برگردان این کتاب از عربی به فارسی، سبب بیداری و در نهایت احساس مسؤولیت همه‌ی ما، در قبال دعوت و بیداری اسلامی گردد.

محمد ابراهیم کیانی در میان

دهم آذرماه ۱۳۷۸ هـ ش برابر با بیست و دوم شعبان ۱۴۲۰ هـ ق

مقدمه‌ی شیخ جبرین

الحمد لله ربّ العالمین قیوم السموات والأرضین مدبر الخلائق أجمعین وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له الملک الحق المبین وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الصادق الأمين صلی الله علیه وسلم وعلى آله وأصحابه أجمعین.

نوشتار پیش روی شما، مقاله‌ای است جامع که یکی از علما در مورد دسته‌ای نوپدیدار نگاشته که در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، نمایان شده و جای گرفته است. گروهی که به ماده‌باور یا مادّی‌گرا خوانده می‌شوند و به ظاهر نسبت به افراد امت اسلامی، ابراز دوستی و خیرخواهی می‌نمایند. البته در پاره‌ای از موارد، خفایای درونی ماده‌باوران نمایان می‌شود و از کینه و دشمنی آنان با اسلام و آموزه‌های دینی، خبر می‌دهد. این‌ها، موضع نامناسبی در قبال حدود و قوانین شرعی و نیز عبادات و منش‌های دینی دارند و بزرگ‌ترین هدفشان را منافع و بهره‌های مادی و هم‌چنین خواسته‌های نفسانی قرار داده‌اند. مادی‌گرایان، دین را از حکومت‌داری، ناتوان می‌دانند و دین‌داران را به عقب‌ماندگی، خشکیدگی و گذشته‌خواهی متهم می‌کنند. بی‌گمان خطری که از سوی مادی‌گرایان، امت اسلامی را تهدید می‌کند، از خطر منافقان و بلکه از تمام فرقه‌های منحرف و گمراه، بیشتر است.

نویسنده‌ی مقاله، مهم‌ترین اهداف این دسته‌ی گمراه و نیز بزرگ‌ترین خطر و آسیبی را که از سوی آن‌ها، متوجه اسلام است، به‌خوبی توضیح داده است. از این‌رو شایسته است که هر مسلمانی، با آگاهی و هشیاری، دشمنش را بشناسد و خودش و برادران مسلمانش را از امثال مادّی‌گرایان بدور دارد و بدین‌سان راه نجات و تعالی را بییابد.

تنها خداست که توفیق می‌دهد و تنها اوست که انسان را به راه رشد و کمال، رهنمون می‌گردد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

مقدمه‌ی نویسنده

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله محمد صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم.

امروزه امت اسلامی در حال گذر از یکی از بدترین هنگامه‌ها و دوران حیاتش می‌باشد و اینک چنان به خفت و ناتوانی کشیده شده که زیر سلطه‌ی تبه‌کارترین مردم اعم از یهود و نصاری و بت‌پرستان، درآمده است. این خفت و خواری، پیامد دوری امت از دینی است که خدای متعال، برای هدایت بشریت و نیز به‌منظور بُرون‌رفت آن‌ها از تاریکی‌ها به‌سوی روشنی، فرو فرستاده است.

در ابتدا دوری مسلمانان از دین، فقط به گروه اندکی از ایشان منحصر می‌شد، اما دوری از دین و آموزه‌های دینی، اینک به‌قدری فراگیر شده که جمع انبوهی از مسلمانان را در بر گرفته است. دولت‌مردان، روشن‌فکران و نیز عهده‌داران رسانه‌های گروهی، بیشترین اثرگذاری را در گسترش و نهادینه‌شدن بی‌دینی و مادی‌گرایی داشته‌اند. از این‌رو برای درمان و پیش‌گیری از آفت مادی‌گرایی، چاره‌ای جز بازگشت دوباره به سرچشمه‌ی هدایت و تقوا، وجود ندارد. در همین راستا، رساله‌ای مختصر در موضوع مادی‌گرایی و فرآیند آن در سرزمین‌های اسلامی به نگارش درآمد. امیدواریم این رساله، مفید و سودمند، واقع شود و مسلمانان را از کنه دعوت و فراخوان مادی‌گرایی، بنیاد آن و نیز خطرات و پیامدهای مرگ‌بارش آگاه سازد و بدین‌سان زمینه‌ای برای رویارویی در برابر فراخوان مادی‌گرایی و هم‌چنین سبب رسوایی دعوت‌گران مادّیت و نابودی این فراخوان شوم گردد تا به خواست خدای متعال ضمن نابودی فراخوان مادی‌گرایی، به حقیقت دینمان بازگردیم و عزت و

شرافت، همان‌گونه که از آن ما بوده، دوباره نیز از آن ما شود: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ
وَلِرَسُولِهِ ۚ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [المنافقون: ۸].

از خدای متعال می‌خواهیم که ما را در این مسیر، موفق بدارد، دست‌گیر و
راه‌نمایمان باشد و به ما راستی و استواری، عنایت فرماید.

محمد شاکر الشریف (مکه‌ی مکرمه)

درآمدی بر مادی‌گرایی

این‌که ماده‌باوری یا مادی‌گرایی چیست، پرسشی کوتاه می‌باشد، اما بحث و پاسخی طولانی، روشن و واضح. اهمیت این موضوع به قدری است که چنین می‌طلبد که مسلمانان، پاسخ درستی درباره‌ی این پرسش بدانند. بحمدالله که پیش‌تر کتاب‌هایی در این مورد به نگارش درآمده و اینک این وظیفه، فراروی ما قرار می‌گیرد که در صدد کسب آگاهی برآیم تا روی‌کرد آگاهانه‌ای در قبال این موضوع داشته باشیم.

به جوانب پرسش مورد بحث بازمی‌گردیم و برای یافتن پاسخی درست و درخور، خسته و رنجور نمی‌شویم. واژه‌نامه‌ها و کتاب‌های لغتی که در غرب -مرکز پیدایش اندیشه‌های ماده‌باورانه- نوشته شده، در بررسی موضوع مادی‌گرایی، برایمان کافی است. در واژه‌نامه‌ی انگلیسی، کلمه‌ی علمانی (ماده‌باور) با مفاهیم زیر، معنا شده است:

۱- دنیوی یا مادی.

۲- کسی که دین‌گرا و اهل دیانت نباشد، غیرروحانی.

۳- کسی که رهبانی^۱ و عبادت‌گزار نباشد.

۱- رهبانیت، نوعی عبادت خودساخته نصاری بود که با عزلت‌نشینی از دنیا انجام می‌شد، از این‌رو منظور از رهبانی نبودن، عبادت‌گزار نبودن می‌باشد که این معنی، هم‌ردیف و نزدیک به معانی اول و دوم مادیت و ماده‌باوری است. نصاری به رهبانیت به عنوان یک بدعت و یا کار و منش خودساخته نمی‌نگرند و برعکس، آن را دین‌داری نیز می‌پندارند. اما مسلمانان، رهبانیت را نوعی بدعت و نوآوری می‌دانند. بنابراین عبارت (رهبانی نیست) بر نفی ابتداع و نوآوری در دین دلالت نمی‌کند، بلکه دال بر عدم عبادت‌گزاری و نیز بر عدم دین‌داری، می‌باشد.

در این‌واژه‌نامه، مادی‌گرایی بدین ترتیب تعریف شده است: مادی‌گرایی، نظریه‌ای است که می‌گوید: ساختار اخلاق و آموزش، نباید مبتنی بر اصول و پایه‌های دینی باشد.

در دائرة المعارف بریتانیا درباره‌ی مادیگرایی آمده است: مادیگرایی، حرکتی اجتماعی است با این هدف که مردم را از توجه به جهان آخرت برگرداند و تمام توجه آن‌ها را به زندگی دنیا منحصر نماید.

در دائرة المعارف بریتانیا ضمن آن‌که مطالبی درباره‌ی مادّیت و ماده‌باوری بیان می‌شود، پیرامون الحاد و کفر این تئوری نیز بحث به میان می‌آید، این دائرة المعارف، الحاد را به دو گونه، تقسیم کرده است:

۱- الحاد نظری (تئوری).

۲- الحاد عملی.

دائرة المعارف مذکور، مادی‌گرایی را گونه‌ای از الحاد عملی قرار داده است.^۱

مطالبی که پیش‌تر بیان شد، دو پیام مهم را به دنبال دارد:

۱- مادی‌گرایی، تئوری و دیدگاهی کفرآمیز است که به کنارزدن دین از اثرگذاری در دنیا فرامی‌خواند. از این‌رو ماده‌باوری، دیدگاهی است که دنیا و تمام امور و دستاوردهای دنیوی را بدور از دستورات و نواهی دین، در تمام مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، نظامی، قانونی و... اصل و اساس می‌داند.

۲- مادی‌گرایی^۲، هیچ پیوند و رابطه‌ای با علم و دانش ندارد، البته برخی از

۱- مطالبی که در تعریف ماده‌باوری از دائرة المعارف بریتانیا و واژه‌نامه‌ی انگلیسی بیان شد، برگرفته از کتاب «نشأة العلمانية» نوشته‌ی دکتر محمد زین الهادی می‌باشد.

۲- ماده‌باوری، زاده‌ی اندیشه‌های فلسفی، اقتصادی و جامعه‌شناختی فیلسوفان غربی از قبیل: کارل مارکس، فریدریش انگلس و... می‌باشد، این دیدگاه هرچند پس از پیدایش، دستخوش

هواداران این دیدگاه، کوشیده‌اند تا برای فریب مردم چنین وانمود کنند که: «منظور از مادی‌گرایی، اشتیاق و توجه به علوم تجربی است.» با پیش‌درآمدی که بر مادی‌گرایی، داشتیم و با روشن شدن محیطی که خاستگاه پیدایش و گسترش این نظریه، بوده است، دروغ و فریب این ادعا، هویدا می‌گردد. از این‌رو اگر گفته شود که: مادی‌گرایی، هم‌ردیف بی‌دینی است، بهترین و دقیق‌ترین تعبیر درباره‌ی مادی‌گرایی، به‌کار رفته است.

چگونگی پیدایش مادی‌گرایی

در شرایطی که غرب نصرانی، وضعیت دینی خراب و در حال سقوطی را پشت سر می‌نهاد، بستر و خاستگاه مناسب و هم‌سازی برای رویش و رشد درخت مادی‌گرایی، فراهم گردید. فرانسه، نخستین کشوری است که پس از انقلاب مشهورش، نظام حکومتی آن بر پایه‌ی اندیشه‌ی ماده‌باورانه شکل گرفت. پیدایش و فراگیرندگی تفکر ماده‌گرا، پذیرش و پای‌بندی به مبانی و دیدگاه‌های ماده‌باورانه‌ای از قبیل: الحاد، کفر، کنار زدن دین از عرصه‌های زندگی و نیز دشمنی با دین و

اندیشه‌ها، تصورات و تفسیرهای بسیاری از ایدئولوگ‌ها و نظریه‌پردازان غرب قرار گرفته، اما در گذر تحولاتی که پشت سر نهاده، به تمام مسایل، دیدی ماده‌باورانه داشته است، از این‌رو نام و یا عنوانی که در پاره‌ای از موارد در پس واژه‌ی ماده‌باوری قرار می‌گیرد، تفسیری از نگرش ماده‌باورانه‌ی این دیدگاه به موضوع خاصی می‌باشد. مثلاً اگر نگاه ماده‌باورانه به‌سوی تاریخ باشد، از آن به ماده‌باوری تاریخی (historical materialism) یاد می‌شود. هم‌چنین اگر این فرمول و ترکیب ماده‌باورانه در مورد مابعد طبیعت به‌کار رود، عنوان ماده‌باوری دیالکتیک (dialectical materialism) می‌یابد. در دید ماده‌باورانه، بُن و اساس هستی، ماده است و اشکال مختلف هستی، پیامد دگرگونی و رشد ماده، به‌شمار می‌روند. در تفکر مادی، آغاز و پایان هر چیزی بر ماده متکی است و ماده، تعیین‌کننده‌ی روند معنوی زندگی می‌باشد. ماده‌باوران، ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی را بی‌بنیاد می‌دانند. [مترجم]

کینه‌ورزی با دین‌داران پدیده‌ای دور از ذهن و عجیب نبود، زیرا دینی که اروپاییان داشتند، هیچ‌گونه همانندی و شباهتی به دین فرورستاده از سوی خدای متعال به سوی بنده و پیامبرش عیسی بن مریم علیه السلام نداشت و دست‌های تحریف‌گر در آن اثر نهاده و دین مسیحیت را دچار تغییر و دگرگونی کرده و چیزهایی را به آن افزوده و یا از آن کم نموده بود. پیامد ایجاد دگرگونی در دین، سبب شد تا دین تحریف‌یافته، با بسیاری از مصالح، خواست‌ها و روند دنیوی زندگی مردم، در تعارض و ناسازگاری قرار بگیرد و دین دگرگون‌شده با بسیاری از یافته‌های مسلم علمی، متعارض گردد. کلیسا-نماینده و مرجع رسمی دین نصاری- و کشیش‌ها و اسقف‌هایش، به ایجاد دگرگونی در دین بسنده نکردند و افزون بر آن کوشیدند تا پذیرش و پای‌بندی به دین خودساخته را اجباری و الزامی نمایند. بدین‌سان بسیاری از مخترعان و مکتشفان را محاکمه کردند و آنان را از آن جهت که یافته‌های علمیشان با دین تحریف‌یافته مغایر بود، مجازات نمودند، بسیاری را کشتند، عده‌ای را به آتش کشیدند و برخی را هم به زندان انداختند. کلیسا، از سوی دیگر نیز پیمان غیرشریفی با حاکمان ستم‌پیشه بست و با کشیدن هاله‌ی تقدس در اطراف ستم‌گران کوشید تا از آنان مردانی نیک و مقدس، ترسیم نماید و تمام جنایت‌ها و بدی‌هایشان را در حق توده‌ی مردم، مشروعیت ببخشد و این گمان و پندار را نهادینه و تثبیت کند که این، همان دینی است که همگان، باید در برابرش گردن نهند و آن را بی‌چون و چرا بپذیرند.

این‌چنین مردم، در صدد یافتن گریزگاهی برای فرار از تنگناها و نیز گریز از زندان کلیسا و ستم و بیداد بیش از حدش برآمدند و راهی جز برون‌رفت و آشوب بر ضد دینی که با علم و دانش برخورد می‌کرد و جنایت‌کاران را یاری می‌نمود، نداشتند و ناگزیر باید علیه دین دگرگون‌شده، می‌شوریدند و آن را از تمام عرصه‌های زندگی از قبیل: سیاست، اقتصاد، تولید علم و نیز اخلاق و... کنار می‌زدند.

ای کاش این مردم، هنگام برون‌رفت از دین تحریف‌یافته و شورش بر ضد آن، به

دین اسلام هدایت می‌شدند و به اسلام می‌گرویدند. اما متأسفانه آن‌ها به طرز عمومی و فراگیری با تمام ادیان، اعلان خشم و انزجار نمودند.

هرچند ظهور این پدیده در غرب و در سرزمین‌های نصرانی، عجیب و غریب نبود، اما پیدایش آن در اسلام، محال و غیرممکن است، چراکه باطل، از هیچ جانی به دین اسلام، راه نمی‌یابد و اصلاً بروز چنین پدیده‌ای در اسلام، غیرقابل تصور می‌باشد. آیین اسلام، تحریف‌پذیر نیست و امکان ندارد که چیزی بر آن افزوده گردد و یا چیزی از آن کم شود. این دین، از کسی به ناحق جانب‌داری نمی‌کند و همه در برابر شریعت اسلام، هم‌سان و برابر هستند، فرقی ندارد که آن شخص، حاکم باشد یا شهروند. از این‌رو در اسلام، هیچ قانونی وجود ندارد که با خواسته‌های بشری، در تعارض و ناسازگاری باشد. این دین راستین، حس آزمندی را برای دانش‌پژوهی برمی‌انگیزد و در آن، نص شرعی صحیحی یافت نمی‌شود که حتی با یک حقیقت، پدیده و یا تئوری مسلم علمی، مخالف باشد. بنابراین اسلام، سراسر حق و حقیقت، خیر و خوبی و دادگری و انصاف است. آری، این چنین است که اگر تهاجم فکری سازمان‌یافته و هدف‌دار غربیان و رویارویی آن با دل‌های عاری از ایمان و اندیشه‌های تهی از درست‌اندیشی و نیز برخورد آن با دنیای تبه و عقب‌افتاده در پهنه‌ی پیشرفت‌باوری، آرمان‌شهری و تمدن‌گرایی نبود، تمام اندیشه‌ها و مکاتب نوپیدایی که در غرب پس از دین‌گریزی و به اصطلاح دین‌پیرایی، به وجود آمد، نه تنها در سرزمین‌های اسلامی مجال ظهور نمی‌یافت که هیچ‌گوشی نیز در میان مسلمانان برای شنیدن پیام پوچش، نمی‌دید.

نصرانی‌های عرب مقیم در سرزمین‌های اسلامی، اثرگذاری و نقش زیادی در انتقال اندیشه‌های ماده‌باورانه به بلاد اسلامی و نیز انتشار و گسترش آن در میان مسلمانان از طریق ابزار رسانه‌ای گوناگون، داشته‌اند. هم‌چنین دسته‌ها و گروه‌های علمی از جمله دانشجویان مسلمانی که برای تحصیل، به غرب اعزام می‌شوند،

نقش زیادی در انتقال مادی‌گرایی و جلوه‌های اندیشه‌ی ماده‌باورانه به سرزمین‌های اسلامی داشته‌اند. بدین ترتیب که بسیاری از دانشجویان اعزامی به غرب، با دیدن نماها و جلوه‌های فریبنده‌ی پیش‌رفت علمی، شگفت‌زده و فریفته گشتند و در حالی به وطنشان بازگشتند که حامل عادت‌ها، تقالید و نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بودند که در غرب مشاهده کردند. این دسته از افراد خودباخته، خواسته و ناخواسته، عاملان نشر و گسترش مادی‌گرایی شدند و در واقع دعوت‌گران این فراخوان شوم، گردیدند. افزون بر این، توده‌ی مردم نیز که این‌ها را حاملان و دارندگان دانش مفید و بینش درست می‌پنداشتند، به راحتی اندیشه‌های خودباختگان را پذیرفتند. آری، عادات، قوانین و تقالیدی که برخی از گروه‌های دانش‌پژوه اعزامی به غرب، در آن ذوب شدند و پس از بازگشت به وطن، آن را بزرگ و فرخنده انگاشتند، همان عادات، تقالید و قوانین جامعه‌ای بود که هر شخص دین‌دار و یا هر کسی را که به‌گونه‌ای با دین ارتباط داشت، کنار می‌زد.

مطالبی که پیش‌تر، بیان شد، گذشته از آن‌که ما را از چگونگی ورود مادی‌گرایی به سرزمین‌های اسلامی، آگاه می‌سازد، بیان‌گر دو نکته‌ی مهم و اساسی نیز می‌باشد:

۱- خطر وجود کسانی که در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کنند هم‌چون نصاری و دیگر کسانی که دارای باورها و عقاید دیگری غیر از اسلام هستند، هم‌چنین می‌توان به چند و چون دسیسه‌ها و حيله‌گری‌هایشان بر ضد اسلام و مسلمانان نیز پی برد. بر ماست که نسبت به این دسته از غیرمسلمانان مقیم در کشورهای اسلامی، در کمال هشیاری و پرهیزتگی باشیم و مقام و جایگاهشان را به ترازوی فروآوریم که خدای متعال، آنان را در آن جایگاه قرار داده‌است و در این راستا، برایشان چنان موقعیتی در سرزمین‌های اسلامی فراهم نیاوریم که به‌گونه‌ای از انواع ریاست و حکمرانی بر مسلمانان دست یابند. همین‌طور باید تمام ابزار ارتباطی و

رسانه‌ای، به روی غیرمسلمانان کشورهای اسلامی بسته باشد تا از سم‌پاشی و گستراندن اندیشه‌های زهرآگینشان در میان مسلمانان، بازمانند، اما چه کسی این کار را می‌کند؟! متأسفانه بسیاری از نظام‌های حکومتی و قوانین خیلی از کشورهای اسلامی، به غیرمسلمانان جایگاه والایی برای گسترش سموم فکری و تبلیغاتی آنان می‌دهد.

۲- خطر بزرگی که در اعزام برخی از فرزندان مسلمانان به غرب، وجود دارد. چه بسیار مسلمانانی که به آن‌جا رفتند و با شکل و حالتی غیر از آن‌که رفته بودند و نیز با قلبی غیر از قلب پیشین خود بازگشتند. هرچند انگیزه‌هایی برای رفتن به غرب به منظور تحصیل علوم تجربی وجود دارد، اما چگونه می‌توان رفتن برخی از مسلمانان را به قصد کسب مدارک علمی در رشته‌های علوم اسلامی و زبان عربی، توجیه نمود و یا پذیرفت؟ مگر زبان عربی، زبان دینی ما مسلمانان است و یا زبان غربی‌ها؟ آیا قرآن کریم به زبان ما نازل شده یا به زبان غربیان؟ به عبارتی آیا این گفته، معقول است که مسلمانان، می‌توانند از طریق دانش‌آموزی از مردمی که شدیدترین کفر و بیشترین کینه را نسبت به اسلام و مسلمانان دارند، به شناخت و بینش درستی در پهنه‌ی علوم اسلامی دست یابند؟

اشکال و گونه‌های مادی‌گرایی

۱- جای بسی شگفت و تعجب است از این که با وجودی که تمام ابزار رسانه‌ای غرب در راستای ارائه‌ی چهره‌ای زشت از اسلام و مسلمانان به کار می‌رود و بودجه‌های کلانی از سوی سران کشورهای غربی در این راستا، تصویب و هزینه می‌شود، بازهم عده‌ای از مدعیان توسعه‌ی آزادی و حقوق بشر، تنگ‌نمودن عرصه‌ی رسانه‌ای را بر غیرمسلمانان (آن‌هم در حد یک راهبرد تئوری و نه عملی و اجرایی) تنگ‌نظری و ستیزه‌گری با دموکراسی، آزادی‌خواهی و برابرطلبی قلمداد می‌کنند!. (مترجم)

مادی‌گرایی، دارای دو نوع است که هریک از آن‌ها، بدتر از دیگری می‌باشد: نوع ملحد و کافر ماده‌باوری است که آشکارا و به‌طور کلی، دین را انکار می‌نماید و منکر خدای متعال است و هیچ باور و پذیرشی به ارزش‌های دینی و یگانگی خدا، ندارد. بلکه با هر دعوت‌گری که فقط به سوی خدا، فرا می‌خواند، به دشمنی و ستیز برخاسته است. از آن‌جا که این نوع از ماده‌باوری به کج‌روی‌ها و گستاخی‌هایش در عرصه‌ی کفر و الحاد، می‌بالد، کافرانگاری این نوع از ماده‌باوری برای عموم مسلمانان، آسان می‌باشد و هیچ مسلمانی، حاضر نمی‌شود، به این نوع از مادی‌گرایی، روی بیاورد مگر آن‌که خواسته باشد به‌طور کامل دینش را رها کند. بنابراین توان فریبندگی این نوع مادی‌گرایی، بسیار ضعیف است. البته این نوع از مادی‌گرایی در برخورد و جنگ مستقیم با مسلمانان و آزارسانی به مؤمنان از طریق شکنجه، زندان و قتل و کشتار، تهدیدی جدی بر ضد مسلمانان به‌شمار می‌رود.

نوع دیگر مادی‌گرایی، گونه‌ی غیرالحادی آن است که منکر وجود خدا نیست و از لحاظ نظری، وجود خدا را می‌پذیرد.^۱ اما در عین حال منکر دخالت دین در امور دنیوی است و به کنارزدن دین از مسایل دنیا فرا می‌خواند. توان فریبندگی و گمراه‌گری این نوع ماده‌باوری، خیلی بیشتر از گونه‌ی پیشین است. چراکه حقیقت و چهره‌ی اصلی این فراخوان، با عدم انکار خدا و نیز عدم هویدا بودن دشمنی و

۱- ماده‌باوری، در هرگونه و شکلی که باشد، ملحد و بی‌دین است، چه وجود خدا را آشکارا انکار نماید و چه منکر خدای متعال نباشد. چراکه واژه‌ی الحاد، در زبان عربی به معنای انحراف و کج‌روی از هدف به‌کار می‌رود. ما، از این جهت ماده‌باوری را به دو گونه‌ی الحادی و غیرالحادی، تقسیم‌بندی کردیم که امروزه در میان مردم چنین رایج شده که الحاد را فقط به انکار خدای متعال، معنا می‌کنند.

ستیزه‌گری آن با دین‌داری، بر عوام و توده‌ی مردم پوشیده می‌ماند^۱ و عموم مسلمانان نمی‌توانند به سبب بی‌بهرگی از دانش و بینش صحیح دینی به موارد کفر این تفکر، پی ببرند. از این‌رو بسیاری از نظام‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی را نظام‌های ماده‌باور و بی‌دین، تشکیل می‌دهند و در عین حال بیشتر مسلمانان، از درک این حقیقت، ناتوان هستند.

امروزه نظام‌های مادی‌گرا، با اطمینان خاطر تمام از این جهت که کسی، آنان را به کفر و روگردانی و برون‌رفت از دین، موصوف نمی‌کند، به راحتی به جنگ با دین و دعوت‌گران دینی برخاسته‌اند. این پدیده از آن‌جا ناشی می‌شود که روی‌کرد این نظام‌ها در قالب شکل نخست ماده‌باوری نبوده و بسیاری از مسلمانان نیز در ناآگاهی و بی‌خبری به سر می‌برند. از خدای متعال می‌خواهیم که ما و همه‌ی مسلمانان را از فحوائی دینمان آگاه سازد تا بدین‌سان به حقیقت وضع موجود خود پی ببریم و حقیقت نظام‌ها و سیستم‌های حکومتی دین‌ستیز را دریابیم.

بعید نیست که مسلمانان آگاه، زمانی که در نوشته‌ها و گفته‌های بسیاری از ماده‌باوران، نامی از خدا، رسول خدا ﷺ و اسلام بیابند، به هدفی که در پس آن نهفته است، پی ببرند، اما ترس از مسلمانانی است که از کنه و حقیقت مسایل بی‌خبرند (و نمی‌توانند هدف شوم ماده‌باوران را از آراستن گفته‌ها و نوشته‌هایشان به نام خدا و

۱- بسیاری از مردم نمی‌توانند به جنبه‌های دین‌ستیزی این نوع ماده‌باوری پی ببرند، زیرا متأسفانه عموم مسلمانان، دین را به پاره‌ای از عبادت‌ها منحصر کرده‌اند و چون ماده‌باوران، از عبادات ظاهری از قبیل برپایی نماز در مسجد، باز نمی‌دارند و یا مانع ادای حج نمی‌شوند، از این‌رو توده‌ی مسلمانان، گمان می‌کنند که ماده‌باوری، دین‌ستیز نیست. در صورتی که فهم و بینش درست دینی، حقیقت دین‌ستیزی ماده‌باوری را روشن می‌سازد و این نکته را به درستی هویدا می‌کند که کنار زدن دین از جنبه‌های مختلف زندگی، بزرگ‌ترین نوع دین‌ستیزی اندیشه‌های ماده‌باورانه است.

رسول، دریابند).

خلاصه این‌که: بدون تردید مادی‌گرایی در هردو شکلی که بیان کردیم، کفر آشکاری می‌باشد. هم‌چنین هر کسی که به یکی از این دو نوع مادی‌گرایی، گرایش یابد و آن را بپذیرد، از دین اسلام، خارج شده است. زیرا اسلام، دین کامل و همه‌جانبه‌ای است که در تمام جنبه‌های روحی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی جنس بشر، برنامه‌ی روشن و کاملی دارد و روا نمی‌دارد که شیوه و قانون دیگری با آن شریک شود. چنان‌چه خدای متعال، و جوب پذیرش تمام و کمال اسلام را این‌چنین بیان فرموده است: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً﴾ [البقرة: ۲۰۸]. یعنی: «ای مؤمنان! همگی در اسلام، به تمام و کمال درآیید». هم‌چنین خدای متعال، به بیان کفر کسانی پرداخته است که برخی از برنامه‌ها و قوانین دینی را می‌پذیرند و برخی دیگر را رد می‌کنند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اَفْتَوْمُنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلَىْ اَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اَللّٰهُ بِغَفِيْلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ﴾ [البقرة: ۸۵]. یعنی: «آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید و به بخش دیگر (آن) کفر می‌ورزید؟ پس برای (هر) کسی از شما که چنین کند، (نتیجه‌ای) جز خواری و رسوایی در زندگانی دنیا نیست و (چنین کسانی) در روز قیامت به سخت‌ترین عذاب‌ها، برگشت داده می‌شوند و خداوند، از آن‌چه می‌کنید، بی‌خبر نیست».

دلایل و رهنمودهای شرعی بسیاری در مورد کفر و گمراهی کسانی که بخشی از داده‌ها و آموزه‌های ثابت و روشن دین را نمی‌پذیرند، وجود دارد. بنابراین در صورتی که تکفیر چنین کسانی، امری آسان و واضح است، حکم اسلام، درباره‌ی کسانی هم‌چون ماده‌باوران که تمام دستورات دینی مربوط به اداره‌ی امور دنیوی را رد

می‌کنند، چگونه خواهد بود؟ از این‌رو، در کفر افرادی که چنین روی‌کردی دارند، هیچ شک و تردیدی نیست.

ماده‌باوران، از آن جهت که معتقدند: «روش دیگران، از روش و رهنمود پیامبر اکرم ﷺ کامل‌تر است و یا فرمان دیگران بر فرموده و دستور رسول خدا ﷺ برتری دارد»، روی‌کردی منافی با اسلام و مسلمانی، مرتکب شده‌اند.

مرحوم عبدالعزیز بن باز می‌گوید: «از جمله مواردی که به نقض و نفی اسلام می‌انجامد، پندار کسی است که بر پایه‌ی آن، معتقد است: قوانین و سیستم‌های بشری، از شریعت اسلام، برتر است. هم‌چنین این پندار نیز در شمار نواقض اسلام قرار می‌گیرد که: دستورات اسلامی، در عصر حاضر، صلاحیت اجرایی ندارد. همین‌طور این عقیده که: دستورات و شرایع اسلامی، عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌باشد و آموزه‌های دینی، به رابطه‌ی بنده با خدایش، منحصر می‌گردد و نباید در سایر موارد زندگی، نقشی داشته باشد»^۱.

طبقات مادی‌گرایان

مادی‌گرایان، در جهان اسلام و عرب بسیارند. قشر وسیعی از ماده‌باوران را نویسندگان، ادیبان و روزنامه‌نگاران، تشکیل می‌دهند، بخش انبوهی از ماده‌باوران نیز شامل کسانی است که به‌عنوان روشن‌فکر^۲، شناخته می‌شوند. هم‌چنین برخی از

۱- رجوع کنید به کتاب: العقيدة الصحيحة، ص ۳۰، نوشته‌ی عبدالعزیز بن باز.

۲- روشن‌فکر، در لفظ به کسی گفته می‌شود که سنجش‌گر باشد و قضاوتش را بر قوت عقل خویش، استوار گرداند. این واژه از «انتلکت intellect» در زبان فرانسه وضع شده است، روشن‌فکری فرآورده‌ی تمدنی است که مدعی می‌باشد بر ارزش‌های عقلانی و پیشرفت، تکیه دارد و در اجتماع به کسی روشن‌فکر گفته می‌شود که در بحث‌های به‌اصلاح روشن‌فکرانه، شرکت می‌کند. البته روشن‌فکری در عرصه‌های مختلف، معنای خاص خود را می‌یابد و بنا بر تعاریف و ارزش‌های جوامع گوناگون، مصادیق متفاوتی دارد. در عصر حاضر که بشر،

اساتید دانشگاه‌ها و بسیاری از فعالان رسانه‌ای که وسایل ارتباط جمعی را در کنترل و انحصار خود درآورده‌اند و نیز بعضی از دیگر اқشار جامعه، تفکری ماده‌باورانه دارند. به هر حال دسته‌ها و طبقات مختلف ماده‌باور، با یکدیگر در امر مشترکی که دارند، هم‌کاری می‌کنند. این‌ها تمام امکانات خود را در خدمت گسترش مادی‌گرایی و نهادینه کردن آن در میان مردم قرا داده‌اند. به همین خاطر است که جلوه‌های ماده‌باوری و بی‌دینی، در جنبه‌های مهمی از زندگانی مسلمانان، نمودار شده است.

پیامدهای مادی‌گرایی در جهان اسلام

نفوذ و جاگیری ماده‌باوری در جوامع اسلامی، بدترین پیامدهای دینی و دنیوی را برای مسلمانان به دنبال داشته است. برخی از پیامدهای ناگوار مادی‌گرایی عبارتند از:

۱- عدم پذیرش دستوراتی که خدای متعال، فرورستاده و نیز کنار نهادن شریعت و قوانین اسلامی از تمام عرصه‌های زندگی. معاوضه‌ی وحی فرورستاده شده از سوی خدای متعال بر سیدالبشر محمد بن عبدالله ﷺ با قوانین وضعی برگرفته از کافران دشمن با خدا و رسول نیز از دیگر آثار نفوذ مادی‌گرایی به جوامع اسلامی است. علاوه بر این دعوت و فراخوان مردم به اجرای دستورات الهی و عدم تن دادن به قوانین وضعی و خودساخته را کهنگی، گذشته‌گرایی و عقب‌ماندگی قلمداد کردن و استفاده‌ی ابزاری از

به‌اشتباه کوشیده تا از هر چیزی تحلیل عقلانی داشته باشد و رخ‌دادها و پدیده‌های گوناگون را بر پایه‌ی خرد محض، تجزیه و تفسیر نماید، معمولاً به کسی روشن‌فکر گفته می‌شود که بیش از دیگران، وراج و پرحرف باشد و سخنان به‌اصطلاح منطقی و سنجیده بگوید. روشن‌فکری، بر خردگرایی محض استوار است و از این‌رو عمده‌ی اندیشه‌های روشن‌فکرانه‌ی معاصر، با بسیاری از آموزه‌ها و ارزش‌های دینی، در تعارض قرار گرفته است. (مترجم)

چنین رویکردی برای استهزا و تحقیر دعوت‌گران دینی و دورکردنشان از موقعیت‌ها و کارهایی که الزاماً ارتباط با مردم و نسل جوان و در پی آن، اثرگذاری در آنان را به دنبال دارد تا بدین‌سان دعوت‌گران نتوانند در مردم و نسل جوان، تأثیر فکری و ایمانی بگذارند.

۲- تحریف تاریخ اسلامی و تلاش برای دگرگون جلوه دادن آن و نیز ترسیم تصویری پرهرج و مرج و نابسامان از دوره‌های طلایی تاریخ اسلامی و دوران حرکات و فتوحات اسلامی به‌گونه‌ای که گویا فتوحات آن دوران، زاده‌ی طمع‌ورزی‌های شخصی بوده است.

۳- خراب کردن نظام آموزشی، در این پهنه کوشش شده تا نظام آموزشی به روش‌های زیر در خدمت گسترش مادی‌گرایی، قرا بگیرد:

۴- گنجانیدن اندیشه‌های ماده‌باورانه در لابلای کتاب‌های درسی به‌طرزی ظریف و متناسب با مقاطع مختلف تحصیلی.

۵- فشرده و کوتاه کردن زمان تعیین‌شده برای دروس و مباحث دینی تا آخرین حد ممکن.

۶- ممنوعیت تدریس برخی از مباحث و نیز متون خاصی که بطلان ماده‌باوری را روشن و واضح می‌کند.

۷- ارائه‌ی توضیحات و شرح‌های هدف‌دار بر متون و نصوص دینی تا از این طریق اندیشه‌های ماده‌باورانه را تأیید کنند و یا حداقل طوری شود که متون و نصوص دینی، با اندیشه‌های ماده‌باورانه در تعارض قرار نگیرد.

۸- برکناری اساتید و آموزگاران دین‌دار از تدریس و ایجاد ممنوعیت و محدودیت برای آن‌ها در برقراری رابطه با دانش‌آموزان و دانشجویان. برای این منظور، مسؤلیت‌های اداری و یا کارهایی به استادان دین‌دار سپرده می‌شود که ناگزیر شوند تنها به مشغولیت‌ها و دغدغه‌های خود رسیدگی

کنند و دیگر فرصتی برای دعوت و روشن‌گری نداشته باشند.

۹- قرار دادن مباحث دینی به‌عنوان مباحث حاشیه‌ای بدین ترتیب که زمان دروس و مباحث دینی را در واپسین وقت آموزشی قرار می‌دهند تا ظرفیت فراگیری دانش‌آموزان و دانشجویان کاسته شود و بدین‌سان آموزه‌های دینی، کم‌اثر و یا بی‌اثر گردد.

۱۰- فرق نگذاشتن میان مسلمانان که حاملان رسالت صحیح هستند و میان تحریف‌گران و ملحدان. بر این اساس همگی را به‌ظاهر هم‌سان و برابر می‌دانند، هرچند در حقیقت به برتی کفار، ملحدان، فاسقان و بدکاران بر موحدان، مؤمنان و اهل طاعت، تمام می‌شود. از این‌رو مسلمان، ناسیونالیست^۱، زرتشتی، برهمایی و معتقدان به دیگر ادیان، در سایه‌ی این اندیشه، هم‌سان و برابر هستند و در برابر قانون، با هم فرقی ندارند. در سایه‌ی این فکر، هیچ‌کسی بر دیگری برتر نیست و سنجه‌ی برتری، میزان پذیرش تفکر ماده‌باورانه می‌باشد.

۱۱- هم‌چنین در سایه‌ی این تفکر، ازدواج نصرانی، یهودی، بودایی و یا ناسیونالیست با زن مسلمان، هیچ ایراد و گناهی ندارد. علاوه بر این به‌پندار ماده‌باوران، هیچ عیب و اشکالی در حکم‌رانی نصاری، یهودیان و معتقدان به دیگر کیش‌های باطل و کافر، بر سرزمین‌های اسلامی، نیست.

۱۲- مادی‌گرایان با مطلبی تحت عنوان «وحدت ملی» به ترویج و نشر پندارها و

۱- ناسیونالیسم به معنای ملت‌باوری است. ملت‌باوری، ایدئولوژیی است که دولت ملی را عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی می‌داند، نه دین و احکام الهی را. بر این اساس، باور به تعلق به ملت، پدیدآورنده‌ی حس وفاداری افراد به عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ملت (نژاد، زبان، آداب و رسوم، ارزش‌های اجتماعی و...) می‌گردد و اغلب سبب بزرگ‌داشت مبالغه‌آمیز عناصر مشترک ملت و برتر دانستن آن بر مظاهر و داده‌های دینی می‌شود. (مترجم)

باورهایشان در سرزمین‌های اسلامی می‌پردازند. این‌ها، وحدت ملی را اصل و اساس می‌دانند و آن دسته از تعالیم و آموزه‌های کتاب و سنت را که با این اصل مادی‌گرایان، مغایر باشد، رد می‌کنند و می‌گویند: «این، وحدت و یک‌پارچگی ملی را در معرض خطر قرار می‌دهد»!

۱۳- گستراندن لایبالی‌گری و بی‌بند و باری اخلاقی و از میان بردن بنیان خانواده که زیرساخت و هسته‌ی نخست جامعه به‌شمار می‌رود. ماده‌باوران، این کار را به طرق زیر انجام می‌دهند:

* تصویب قوانینی که روادار هرزگی و فرومایگی است و فساد و هرزگی را مجازات نمی‌کند. هم‌چنین به رسمیت شناختن زنا و بدکاری از آن جهت که چنین اعمالی، به آزادی فردی مربوط می‌شود و باید آزادی فردی را پاس داشت.

* گسترش هرزگی و بی‌بند و باری با ابزار رسانه‌ای گوناگونی هم‌چون مجله‌ها، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون‌هایی که شب و روز به اشاره و آشکار، از نشر فساد و تباهی اخلاقی، خسته نمی‌شوند.

* کشف حجاب و الزامی کردن بی‌حجابی و هم‌نشینی دختران و پسران در مدارس، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها، اداره‌ها و مؤسسات.

۱۴- مقابله با دعوت و بیداری اسلامی از طریق:

* محدود کردن نشر کتاب‌های اسلامی و در مقابل برداشتن تمام محدودیت‌ها برای نشر کتاب‌های گمراه‌کننده‌ای که در عقیده و شریعت اسلامی، شک و تردید ایجاد می‌کنند.

* فراخ نمودن میدان برای ابزار رسانه‌ای و وسایل ارتباط جمعی ماده‌باوران کج‌رو تا مخاطبان بیشتری پیدا کنند و بدین‌سان به نشر و پخش اندیشه‌ی کج و گمراه خود و نیز تحریف مفاهیم قابل برداشت از نصوص شرعی بپردازند. از سوی دیگر نیز سعی می‌شود تا ابزار رسانه‌ای و وسایل ارتباط جمعی در دست عالمان مسلمانان را

که برای بیداری دینی عموم مردم می‌کوشند، در تنگنا قرار دهند.

* دستگیری و سرکوب دعوت‌گران اسلامی و چسباندن برچسب‌ها و تهمت‌های زشت و باطل به آن‌ها و ترسیم سیمایی از ایشان که گویی از لحاظ فکری و عقلی، عقب‌مانده و متحجر هستند و یا ارائه‌ی تصویری گذشته‌گرا از آنان تا از یک سو چنین وانمود کنند که دعوت‌گران دینی با نوآوری‌های سودمند علم جدید، مخالف هستند و از دیگر سو چنین نشان دهند که فعالان دعوت و بیداری اسلامی، تندروهای متعصبی می‌باشند که از درک حقیقت مسایل عاجزند و با قشری‌نگری، از توجه به مسایل مهم و اساسی باز می‌مانند.

* تلاش برای رهایی از مسلمانانی که با ماده‌باوران کنار نمی‌آیند از طریق تبعید، زندان و کشتار.

* انکار فریضه‌ی جهاد در راه خدا و رویارویی و تهاجم تبلیغاتی و عملیاتی به این فریضه‌ی بزرگ. ماده‌باوران، جهاد در راه خدا را گونه‌ای از راهزنی و وحشی‌گری قلمداد می‌کنند. پرواضح است که جهاد در راه خدا، به معنای پیکار و کارزار به قصد برتری و غلبه‌ی سخن و شریعت خدا می‌باشد تا در نتیجه هیچ قدرت و سیطره‌ای جز قدرت و فرمان‌فرمایی حکومت اسلامی باقی نماند. ماده‌باوران، بر این باورند که باید دین را از تمام عرصه‌های زندگی کنار زد، بهترین تعریف و تعبیری که این‌ها، درباره‌ی دین بیان داشته‌اند، این است که دین، پیوند و رابطه‌ی خاصی میان انسان با معبودش می‌باشد به‌گونه‌ای که این پیوند و عبادت، هیچ تأثیری در اقوال، کردار و منش انسان، در بیرون از محل عبادت ندارد. از این‌رو جهاد و مجاهدت در راه پیروزی دین، برای ماده‌باوران چه معنا و مفهومی خواهد داشت؟! جنگ مشروع از دیدگاه ماده‌باوران و هوادارانشان، همان جنگی است که برای دفاع از مال و خاک، صورت می‌گیرد. حتی جنگ برای دفاع از دین و کوشندگی برای نشر و گسترش دین و جهاد و کارزار در این راه، از نگاه ماده‌باوران نوعی ستیزه‌جویی و وحشی‌گری است

که با مرام و منش انسان متمدن، جور در نمی‌آید!!

* دعوت به ملت‌باوری یا وطن‌پرستی. این فراخوان، به گردهمایی مردم بر اساس یک عنصر و عامل وهمی مشترکی هم‌چون: نژاد، زبان، موقعیت جغرافیایی و یا منافع و خواست‌های مشترک، دعوت می‌دهد و به‌طور اساسی، دین را از عوامل اتحاد و گردهمایی مردم به‌شمار نمی‌آورد، بلکه بر اساس این دیدگاه، دین، یکی از بزرگ‌ترین عوامل تفرقه و پراکندگی عناصر ملت و یا قوم، محسوب می‌شود. یکی از ماده‌باوران، گفته است: «تجربه‌ی انسانی در قرون گذشته نشان می‌دهد که دین به‌عنوان راه‌کار مردم برای بیمه‌ی آسایش پس از زندگانی، سبب از میان رفتن امنیت و آرامش زندگانی انسان‌ها شده است»!

آن‌چه پیشتر گذشت، تنها بخشی از پیامدهایی است که حاصل تفکر ماده‌باورانه در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد و گرنه پیامدهای ناگوار ماده‌باوری، بسی بیشتر از آن است که بیان شد.

هر مسلمانی، می‌تواند تمام این پیامدها یا بخش عمده‌ی آن را در بیشتر سرزمین‌های اسلامی به‌وضوح ببیند و بدین‌سان به میزان نفوذ پرشتاب ماده‌باوری و پیامدهای ناخوشایند و شومش، پی ببرد. مسلمان به هر سو و به هر سرزمینی از سرزمین‌های اسلامی که بنگرد، به‌راحتی می‌تواند بخشی از آثار ناگوار ماده‌باوری را مشاهده کند، البته یافتن سرزمینی اسلامی که از پیامدهای ماده‌باوری، بدور مانده باشد، آسان و بلکه ممکن نمی‌باشد.

وسایل و راه‌های ماده‌باوران برای تحریف مفاهیم دینی در میان مسلمانان

مادی‌گرایان، برای تحریف مفاهیم دینی در میان مسلمانان، راه‌های زیادی در پیش گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فریفتن برخی از افراد ضعیف‌النفوس و سست‌ایمان با فریبنده‌های دنیوی از قبیل

مال و ثروت، پست و مقام و زنان تا بدین‌سان ابزار تبلیغاتی ماده‌باوران قرار بگیرند و فراخوان ماده‌باوری را به گوش مردم برسانند. البته پیش از این‌که دعوت‌گران ماده‌باوری دست به کار شوند، تبلیغات گسترده‌ای برای این افراد در رسانه‌های ماده‌باوران، برپا می‌شود تا آن‌ها را دانشمند، اندیشمند و خبره و کارآزموده وانمود کنند و بدین ترتیب گفته‌هایشان، مورد پذیرش عموم مردم قرار بگیرد و این‌چنین توان فریبندگی دعوت‌گران ماده‌باور، افزایش یابد.

تلاش برای پرورش برخی از عناصر ماده‌باور در پرورشگاه‌های غربی و اعطای مدارک و عناوینی علمی هم‌چون دکتر و استاد به آن‌ها. این دسته از پرورده‌های مراکز پرورشی ماده‌باور، پس از بازگشت به کشور خود، به عنوان استاد دانشگاه به کار گرفته می‌شوند تا به شکلی گسترده در راستای تحریف مفاهیم دینی درمیان دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، فعالیت نمایند. از آن‌جا که بیشتر دانش‌آموختگان دانشگاهی و مراکز آموزشی، کارها و پست‌های حساس اداری و دولتی را عهده‌دار می‌شوند، می‌توان به میزان تباهی پدیدآمده از وجود ماده‌باوران در مراکز دانشگاهی و آموزشی، پی برد.

تقسیم‌بندی مفاهیم دینی و تلاش برای زیاد کردن پاره‌ای از بگومگوهای غیرضروری و نیز افزایش نوشتارها در مورد برخی از مسایل جزئی و مشغول کردن پژوهندگان، دانش‌پژوهان و دعوت‌گران در مباحث خیالی و بی‌ارزش به قصد بازدارندگی پژوهندگان و دعوت‌گران از پرداختن به مسایل اساسی و مهم‌تری هم‌چون روشن‌گری.

ترسیم چهره‌ای کج‌رو و دنیاطلب از عالمان و محققان دینی در مجله‌ها، روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون تا از ایشان سیمایی به مردم ارائه شود که گویی، کج‌نهادانی هستند که به دنبال مال و ثروت، پست و مقام و هوا و هوس افتاده‌اند، این تلاش از آن جهت صورت می‌گیرد که مردم، نسبت به علما، بدبین و بی‌اعتماد شوند

و از آنان حرف‌شنوی نداشته باشند و در نتیجه میدان، برای فراخوان ماده‌باوری، فراخ و خالی گردد.

به‌کثرت از مسایل اختلافی و اختلاف علما، سخن گفتن و بزرگ‌نمایی مسایل اختلافی با این هدف که مردم، گمان کنند: «دین، سراسر اختلاف است و علمای دین، در هیچ مسأله‌ای اتفاق نظر ندارند و اصلاً در دین هیچ نکته و موضوع مورد اتفاقی نیست که این‌همه اختلاف، به‌وجود آمده است!!» ماده‌باوران، همواره می‌کوشند تا با تکیه بر موارد اختلافی عالمان دینی و بزرگ کردن مسایل اختلافی، هدف شومشان در روگردانی مردم از دین را به انجام برسانند.

ایجاد مدارس، دانشگاه‌ها و مراکزی آموزشی که در حقیقت، زیر سلطه‌ی قدرت‌های ماده‌باوری هستند که بنیان‌گذار این مراکز در سرزمین‌های اسلامی می‌باشند. روی کرد این مراکز به‌گونه‌ای است که تمام تلاش خود را به‌ویژه در پژوهش‌های اجتماعی، فلسفی و روان‌شناختی به‌کار می‌گیرند تا پیوند مسلمان با اسلام را سست و ضعیف کنند و بدین‌سان بیشترین کوشندگی در راستای گسترش ماده‌باوری، انجام شود.

تکیه‌ی بیش از حد و نابجا بر برخی از اصول و ضوابط شرعی بدون رعایت زیرساخت‌های مهم و اساسی در قواعد و اصول مذکور. ماده‌باوران، از این طریق می‌کوشند تا دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مادی خود را ترویج دهند. یکی از این قواعد، قاعده‌ی **مصلح مرسله** می‌باشد که با برداشت و کاربستی نادرست و غیرحقیقی از آن به‌عنوان ابزاری در رد و انکار برخی از آموزه‌های اسلامی که با مرامشان، جور نمی‌آید، استفاده می‌کنند و می‌کوشند تا با کاربست غیراصولی قاعده‌ی مصلح مرسله، به تثبیت خواسته‌هایی بپردازند که پایه‌های ماده‌باوری را تقویت می‌کند. از دیگر قواعدی که مورد سوءاستفاده‌ی ماده‌باوران قرار می‌گیرد، می‌توان قواعد ذیل را نام برد:

(پذیرش ضرر یا آفت و تباهی کم‌تر و کوچک‌تر از میان آسیب‌ها و تباهی‌هایی که پیش رو و گریزناپذیر است..)، (ضرورت و اضطرار، امور ممنوع را مباح می‌کند.)، (دفع مفسد، بر جلب مصالح، مقدم است.)، (اسلام، در همه‌ی زمان‌ها صلاحیت دارد.)، (اختلاف در فتواها و احکام شرعی، به اختلاف احوال و زمان، بستگی دارد).

ماده‌باوران، تلاش می‌کنند تا با تکیه بر اصول و قواعد مذکور، اسلام را در برابر سایر کیش‌ها و حتی درمیان خود مسلمانان، ذوب و نابود کنند. هم‌چنین می‌کوشند تا از این قواعد و ضوابط برای انتقال تمام ساختارهای اقتصادی و سیاسی کفار به سرزمین‌های اسلامی، به‌گونه‌ای بهره بگیرند که بیشتر مردم، به حقیقت ره‌آورد یا روی‌کردشان پی نبرند.^۱

من، بر این باورم که این شیوه‌ی تبلیغاتی ماده‌باوران، از آن جهت که به برخی از قواعد شرعی، تکیه کرده، بیش از سایر روش‌ها خطرناک می‌باشد و جنبه‌ی فریبندگی و شبهه‌افکنی آن از دیگر شیوه‌ها بیشتر است، از این‌رو به منظور هویدا کردن کنه این شیوه‌ی تبلیغاتی ماده‌باوران، نوشتار و پژوهشی مستقل و جداگانه نیاز

۱- متأسفانه کوتاهی برخی از سرامدان دینی مسلمانان در عرصه‌ی دعوت و روشن‌گری، باعث شده تا در پاره‌ای از موارد، اسلام، هم‌معنای مکاتب فلسفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غرب، تعریف شود. در این میان برخی از افراد خودباخته در برابر دعوت‌ها و بلکه ادعاهای پوچی هم‌چون: وحدت ادیان، توسعه‌ی آزادی و حقوق انسانی، برابری حقوق، حق ملت بر دولت و حکومت، آزادی، اختیارباوری و... سر تسلیم فرو آورده و کوشیده‌اند تا به گمان خود، اسلام را از بدنامی (!! نجات دهند و با انکار عملی بسیاری از ارزش‌ها و اصول مهم اسلامی، اسلام را در قالب مکاتب غربی، تعریف کنند. حتی گستاخی برخی از این خودباختگان غرب‌زده، به جایی رسیده که گفته‌اند: اسلام واقعی را در غرب باید جستجو کرد! وضعیت نابسامان روحی و روانی غرب، خود گواه روشنی است بر پوچ بودن ادعای مدعیانی که غرب را دیار آرزوها و باورهای غربی را آرمانشهری و پیشرفت می‌پندارند. (مترجم)

است تا با توضیح این مسایل، هیچ‌گونه پوشیدگی و ابهامی به‌جا نماند. البته باید دانست که اتکای ماده‌باوران بر اصول و قواعد شرعی، به‌خاطر ایمانشان به این اصول نیست و یا برگرفته از این نمی‌باشد که آن‌ها، فراگیرندگی، کمال و همه‌جانبه بودن دینی را که اصول و قواعد یادشده، از آن متجلی و نمودار شده، قبول دارند، بلکه آن‌ها، از این اصول و قواعد، فقط به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف شومشان، استفاده می‌کنند.

وظیفه‌ی مسلمانان

همه‌ی مسلمانان، با توجه به وضع نهایت بد و ناگواری که در آن به‌سر می‌برند، وظیفه‌ای بس بزرگ و سنگین دارند. این وظیفه، فراروی مسلمانان قرار دارد که باید برای تغییر وضعیت و واقعیت دردناک کنونی که چیزی نمانده تمام امت را از اسلام بیرون و دور گرداند، بکوشند. اینک همه‌ی مسلمانان، وظیفه دارند تمام تلاش و داشته‌های خویش اعم از مال، جان، وقت و فرزندان و خانواده‌ی خود را در مسیر بهبود وضع موجود، به‌کار گیرند. در این میان علما، دانش‌پژوهان، دعوت‌گران و توانمندان، وظیفه‌ای سنگین‌تر از دیگران دارند، چراکه این دسته از مسلمانان، در مقام قیادت و پیشوایی دیگران هستند و عموم مردم، تابع و پیرو آن‌ها می‌باشند.

مسلمانان، برای برون‌رفت از این واقعیت دردناک، راهی جز علم و عمل ندارند، دانشی که عمل را به دنبال ندارد، هیچ‌گونه تغییری در این واقعیت دردناک ایجاد نمی‌کند، کاری که از روی بی‌علمی و ناآگاهی باشد نیز به جای اصلاح و به‌کرد وضع موجود، فساد و تباهی بیشتری به دنبال دارد. منظورم از علم و دانش، شناخت برخی از قضایا و مسایل فرعی و فقهی و یا آگاهی از پاره‌ای از آداب و رسوم نیست که مردم، به آن مشتاقند و آن را در جایگاهی فراتر از میزان اسلام، می‌نهند. منظورم، دانشی است که ایمانی قلبی و راستین به دنبال داشته باشد و محبت خدا، پیامبر و

اسلام را بر تمام محبت‌ها افزون و برتر بگرداند و عاملی در راستای تلاش برای دین خدا و مجاهدت در مسیر پیروزی اسلام در سراسر زمین گردد، هرچند که برای این منظور ناگزیر به بذل جان و مال و تمام دارایی‌های باارزش باشد. بدون تردید این امر، جز با شناخت درست اسلام و یقین کامل به حقیقت توحید-اصل و اساس اسلام- فراهم نمی‌شود. البته باید از خطراتی که امت اسلامی را تهدید می‌کند و از دشمنانی که در کمین امت هستند و نیز از دعوت‌های باطل و بنیان‌برانداز، آگاهی یابیم و به مواردی که تحقق ولایت مؤمنان راستین و نیز برائت و انزجار از دشمنان دین را به دنبال دارد، پی ببریم. از آن‌جا که فراگیری علم و دانش و تلاش و جستجو در این راستا، وظیفه‌ی مسلمانان است، اهل قلم اعم از نویسندگان و ناشران، موظفند به‌کثرت به نشر کتاب‌هایی بپردازند که مسلمانان را با تمام دین، آشنا و وابسته می‌سازد. کتاب‌هایی که به تمام احکام و آموزه‌های اسلامی و میزان هر یک در شریعت اسلام بپردازد و با پرداختن به بخشی از تعالیم دینی، از دیگر جنبه‌ها باز نماند و یا هیچ‌یک از این جنبه‌ها را فراتر و مهم‌تر از آن‌چه که هست، جلوه ندهد. از این‌رو نویسندگان و ناشران در شرایط حساس و کنونی امت، باید در این‌باره اهتمام و توجه ویژه‌ای داشته باشند و زینده‌ی آن‌ها نیست که همپای خواست و یا عمل‌کرد مردم، به یک جنبه از جوانب دین تکیه نمایند و جوانب دیگری را که در اسلام، قدر و منزلت بیشتری دارند، از یاد ببرند و کنار بگذارند. ما، نمی‌خواهیم در این میان، به آن‌چه دیگران مبتلا شده‌اند، دچار شویم و به کنار نهادن جنبه‌های فرعی و کم‌اهمیت به بهانه‌ی توجه به سایر جنبه‌های دینی، فرا بخوانیم. بلکه ما، به توازن و تعادل دعوت می‌دهیم تا نوشتارهای مختلف، موازی و هم‌سنگ جایگاه موضوعات مورد بحث در ترازوی اسلام، قرار بگیرد. بنابراین شایسته نیست کتابخانه‌های اسلامی، از

کتاب‌های گوناگون در موضوعاتی هم‌چون: جن، سحر، شعبده‌بازی، زهد و ورع، اذکار، فضایل اعمال و مسایل فرعی و فقهی و امثال آن، آکنده باشد^۱ و در عین حال در کتابخانه‌ها، کتاب‌هایی شایسته، آسان و قابل درک برای عموم مردم در موضوعاتی از قبیل فقه سیاسی در اسلام، اندک و ناچیز باشد. در موضوع بررسی مکاتب و اندیشه‌هایی همچون: ماده‌باوری، دموکراسی^۲، ناسیونالیسم، سوسیالیسم^۳ و نیز

۱- ما، همواره تأکید کرده و می‌کنیم که نباید کسی، چنین بیندازد که ما، از جایگاه مواردی که اسلام، درباره‌اش حکمی کرده - هرچند مسأله‌ای معمولی هم‌چون چگونگی قضای حاجت باشد - می‌کاهیم، خیر، بلکه فراخوان ما، این است که به هر مسأله‌ای همان جایگاهی را بدهیم که در ترازوی اسلام، از آن جایگاه برخوردار است و این، روش عالمان نیکی است که بر اساس فهم صحیح از نصوص شرعی چنین روی‌کردی داشته و دارند.

۲- دموکراسی، به معنای حکومت عامه‌ی مردم است و از آن‌جا که با شعارهایی چون: آزادی، گفتار، نشر، اجتماع و دسته‌بندی، آزادی مذهب، آموزش و امثال این‌ها، پدیدار گشته، هواداران زیادی به خود گرفته است، برابری حقوق اساسی مردم، در شعارهای دموکراسی، فقط بر روی کاغذ بوده و در عرصه‌ی عمل، دموکراسی، ابزاری برای سلطه‌جویی مدعیان برابری فرصت‌ها شده است. در دین اسلام، کلیات مبانی و زیرساخت‌های نوع حکومت، در قرآن و سنت صحیح رسول خدا ﷺ بیان شده و تلاش کسانی که کوشیده‌اند تا این اصول را هم‌پای دموکراسی دینی تعریف کنند، به مخالفت با بسیاری از آموزه‌های صریح کتاب و سنت، انجامیده است. بررسی این موضوع، گذشته از تبیین مبانی دموکراسی، نیازمند نوشتار و پژوهش‌های کامل درباره‌ی فقه سیاسی اسلام است. (مترجم)

۳- سوسیالیسم یا جامعه‌باوری، از واژه‌ی سوسیال در زبان فرانسه به معنای اجتماعی گرفته شده است، در واژه‌نامه‌ی انگلیسی آکسفورد، سوسیالیسم، نظریه‌ای تعریف شده است که بر نظارت جامعه بر تولید و وسایل تولید و نیز اداره‌ی آن‌ها به سود همگان، تأکید دارد.. بدون تردید چنین تعریفی از سوسیالیسم، صرفاً به حوزه‌ی اقتصادی این مکتب و تفکر، اشاره دارد، در صورتی که نظریه‌پردازان سوسیالیسم در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فلسفی و حتی دینی، اظهار نظرهایی کرده‌اند که هرچند هم‌سان نمی‌باشد، اما از آن‌جا که از تمام

بررسی احزاب و گروه‌های کفرگرایی چون بعث^{۱*} و سوسیالیست، نیز کتاب‌های

جریان‌های تاریخی، طبیعی و حتی ما بعد طبیعی، برداشت و یا تفسیری ماده‌باورانه و صرفاً جامعه‌شناختی داشته‌اند، از این‌رو در تحلیل آموزه‌های مذهبی و دینی خود نیز، به بی‌راه رفته‌اند، متأسفانه در این میان عده‌ای نیز بدور از آشنایی با مفاهیم دین اسلام کوشیده‌اند تا از اسلام، تعاریفی ارائه دهند که در واقع، اسلام، دینی تعریف شود که به نحوی، اندیشه‌ها و داده‌هایی زیر نفوذ دموکراسی، ناسیونالیسم، سوسیالیسم و امثال این مکاتب دارد. اما قطعاً اسلام، دینی است کامل و همه‌جانبه که با وجود تمام بی‌راهگی‌های برخی از به‌اصطلاح اندیشمندان، از تحریف و دگرگونی در امان مانده و هم‌چنان قابلیت کاربست در تمام جنبه‌های زندگی را دارد. (مترجم)

* بعث، جنبش و حزبی عربی است که کوشیده است تا تحلیل‌های مارکسیستی را با ناسیونالیسم عربی پیوند دهد. این جنبش، نخست در سوریه و در سال ۱۹۴۴ میلادی به رهبری میشل افلق و صلاح بیطار با هدف براندازی تسلط فرانسه بر سوریه، آغاز شد و در سال ۱۹۵۳ با حزب سوسیالیست سوریه به رهبری اکرم حورانی، یکی گردید. حزب بعث سوریه، از سال ۱۹۶۳ قدرت را به دست گرفت و سال ۱۹۶۴ دست به ملی کردن مؤسسات و کارخانه‌ها زد. از آن دوران به بعد تا مدتی کشاکش شدیدی با اخوان المسلمین داشت، اخوان المسلمین، جنبشی است که با بنیان‌گذاری شهید حسن‌البناء رحمته‌الله، بر پایه‌ی اصول اسلامی، از سال ۱۹۲۹ فعالیتش را به‌طور رسمی در مصر آغاز کرد و در پایان جنگ جهانی دوم، بیش از دو میلیون عضو داشت. جنبش اخوان المسلمین که خواهان بازگشت به اصول حکومت اسلام در نخستین سده‌های آن بود، فراز و نشیب زیادی را پشت سر نهاده و پس از چند دهه جهاد و دعوت، در حال حاضر به مبارزه‌ی آرام و بدون تنش روی آورده و فروگذاری جهاد مسلحانه‌ی اسلامی را -جز در فلسطین- با نام جهاد سیاسی و مبارزه‌ی دموکراتیک، تحلیل و توجیه می‌نماید! به‌هر حال، کشاکش حزب بعث با اخوان المسلمین سوریه، به کشتار و اعدام بسیاری از اعضای حزب اخوان، انجامید. حزب بعث، در عراق نیز حکومت را به دست داشت و پس از تهاجم آمریکا به عراق، سرنگون شد. بعث عراق و بعث سوریه با هم اختلاف و دشمنی شدیدی داشتند. (مترجم)

اندکی در کتابخانه‌ها، یافت می‌شود.

هم‌چنین کتاب‌های اندکی در موضوع جهاد وجود دارد. منظورم از جهاد در راه خدا، فقط بحث و نوشتن، درباره‌ی فرض بودن جهاد و تداوم آن تا روز قیامت نیست، بلکه منظورم، سخن از جهاد با مرتدین و از دین‌برگشتگانی است که در قالب حکام و هواداران‌شان، به‌شدت خود و دیگران را پای‌بند اندیشه‌های کفرگرایی هم‌چون سوسیالیسم، ماده‌باوری و ماتریالیسم، ناسیونالیسم و دموکراسی می‌دانند و به این‌ها فرامی‌خوانند.

از چگونگی تلاش برای بازگرداندن خلافت از دست‌رفته و نیز از دیگر موضوعاتی که در زندگانی مسلمانان اهمیت زیادی دارند، کم‌تر گفته و نوشته می‌شود، مقایسه‌ی کتاب‌هایی که در این موضوعات با کتاب‌هایی که درباره‌ی سایر موضوع‌ها نوشته شده و نیز توجهی به چند و چون بازار این کتاب‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها با هم، تفاوت و اختلاف زیادی نشان می‌دهد و نگرانی افزونی ایجاد می‌کند.

گاهی، نویسندگان و ناشران، می‌گویند: مردم، از خواندن موضوعاتی این‌چنین، روگردان هستند. نویسندگان و ناشرانی که خواهان نشر گسترده‌ی کتاب‌های خود هستند، ناگزیر باید به خواست و رغبت مردم، تن دهند... باید گفت: نویسندگان و ناشران در این روگردانی مردم از خواندن موضوعات مهم، سهم زیادی دارند، چراکه در این مسیر با عموم مردم همراهی می‌کنند و در مسیر روشن‌گری مردم برای توجه به توازن و تعادل و نیز عدم پرداختن و توجه افزون به یک مسأله و بی‌توجهی به سایر جنبه‌ها، اقدام مؤثری نکرده‌اند. همین امر، سبب می‌شود که مردم، اسلام را تنها در یکی از عبادت‌ها، آداب و یا عادات، منحصر بدانند. متأسفانه اینک اسلام، در نگاه بسیاری از مردم در نماز و روزه‌ی رمضان منحصر شده است، برخی هم اسلام را در پای‌بندی به مجموعه‌ای از اذکار منحصر می‌دانند و عده‌ای نیز اسلام را در خوش‌خلقی، منحصر کرده‌اند، بعضی هم اسلام را در برخورداری از دانش فقه و یا

علم حدیث و مواردی این‌چنین منحصر دانسته‌اند. از این‌رو هرگاه با بسیاری از مسلمانان درباره‌ی فراگیرندگی و همه‌جانبه بودن اسلام و یا درباره‌ی برخی از مسایل مهم و مورد تأکید هم‌چون اجرا و کاربست دستورات الهی و مسایلی برگرفته از توحید و یگانه‌انگاری خدای متعال و نیز ایمان به آخرت همانند پای‌بندی به شریعت و وجوب تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و بازگرداندن خلافت اسلامی، سخن می‌گوییم و یا از باطل بودن اندیشه‌هایی مانند ماده‌باوری و دموکراسی، بحث می‌کنیم، گمان می‌کنند که تو، درباره‌ی دینی غیر از دین اسلام، صحبت می‌کنی و در نتیجه می‌گویند: این کار، پرداختن به سیاست است و نباید دین را با سیاست قاطی کرد! اگر در سخنرانی‌های جمعه و نیز در جلسات علمی و کلاس‌هایی که در مساجد برگزار می‌شود و یا در کتاب‌هایی که خواندن و درک آن برای عموم آسان است، بر چنین موضوعاتی تأکید گردد، دیگر، مردم سخنان نادرست و این‌چنینی نمی‌گویند.

نباید و نشاید که نویسندگان و ناشران، به‌خاطر خواست و میل خوانندگان و به‌قصد بازارگرمی کتاب‌هایشان، با عرضه‌ی ناقص دین و پرداختن به یکی از جنبه‌های دینی، در ناخالص گردانیدن دین و تحریف مفاهیم دینی، وارد شوند تا مبدا ابزار تحقق هدف ماده‌باوران در محدود کردن اثرگذاری دین در امور و نیز کنار زدن آن از دخالت در زندگانی بشر قرار گیرند.

برخی از نویسندگان و ناشران، می‌گویند: ما، از آن جهت درباره‌ی این موضوعات مهم، چیزی نمی‌نویسیم و نشر نمی‌کنیم که خطاکاری در پرداختن به چنین موضوع‌های مهمی، معمولی و دور از امکان نیست و دوری از اشتباه، به‌علم و دانش زیادی نیاز است که در وسع ما نمی‌باشد... بنده نیز در این‌باره با این‌ها موافقم که بسیاری از نویسندگان، از نوشتن کتاب‌های خوب و مفید در این موضوعات، ناتوان هستند، اما سؤال من این است که: کجایند عالمان برجسته؟ اگر اینک زمان

انجام وظیفه‌ی آنان فرا نرسیده، پس کی می‌خواهند برای تغییر وضع دردناک کنونی، کاری بکنند؟!

در همین چارچوب آموزگاران و اساتید مقاطع مختلف تحصیلی نیز وظایفی دارند، از جمله:

۱- تلاش برای ایجاد بهترین و شایسته‌ترین برنامه‌ی درسی تا برنامه‌ی آموزشی، در چارچوب و مسیر خدمت به اسلام قرار بگیرد و بدین‌سان، آموزش دروس، یگانه هدف تدریس کتاب‌ها نباشد، با توجه به این‌که آیین اسلام، دینی است که از سوی خدا، برای ما آمده است و باطل، از هیچ‌جانبی به آن راه نمی‌یابد و نیز با نظرداشت این مسأله که یافته‌های علمی، برایندی از نظام آفرینش الهی است و هیچ تعارضی میان دین و دانش وجود ندارد، می‌توان بسیاری از یافته‌های علمی را به عنوان دلیل، در خدمت ایمان قرار داد. هم‌چنین می‌توان از بسیاری از قوانین علمی و یافته‌های علوم تجربی، برای رد دیدگاه‌های الحادی ملحدان و بی‌دینانی استفاده کرد که فقط علوم تجربی را قبول دارند و فراتر از این علوم، نمی‌بینند و نمی‌اندیشند. بنابراین باید این شیوه را در مواد و برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و دانش‌جویان، به‌کار بست. البته باید در این پهنه با پژوهش و روشن‌گری زیادی وارد شد و نباید به اشاراتی گذرا بسنده کرد. برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی، باید به این وظیفه‌ی مهم، توجه و عنایت ویژه‌ای داشته باشند.

۲- پالودن مواد درسی از مباحث کفرآمیز و گمراه‌کننده: گاهی اتفاق می‌افتد که برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی، افرادی بیگانه با دین باشند، از این‌رو آموزگاران و مدرسان مسلمان، نباید این چنین مطالبی را آن‌گونه که در کتاب درسی آمده، تدریس کنند و بلکه چنین حقی ندارند. آن‌ها باید جنبه‌های انحرافی مطالب را برای دانش‌آموزان، روشن کنند و آن‌ها را از این‌گونه

مطالب، برحذر و هشیار بدارند و به بیان مطالب درست، بپردازند، آموزگاران، نباید نقش معلمی و آموزشی خود را در تدریس کتاب درسی منحصر بدانند، بلکه باید مواد درسی را با اسلام و آموزه‌های اسلامی پیوند دهند و مواد درسی را از هرگونه ناخالصی و شائبه پاک نمایند و بدین‌سان در کنار معلم بودن، دعوت‌گر و روشن‌گر نیز باشند.

۳- آموزگاران و اساتید، باید هر فرصت فراهم‌شده را برای توضیح مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، غنیمت بدانند و بکوشند تا از تمام فرصت‌ها برای نهادینه کردن عقاید و باورهای ناب اسلامی و نیز بیان مسایل مسلمانان و آموزش تعالیم دینی، استفاده نمایند.

همه‌ی معلمان در تمام سطوح علمی و دینی، موظفند برای تحقق و انجام مسؤولیت‌های یادشده، بکوشند تا افرادی شایسته در انجام وظیفه‌ی مهم و ارزشمندی باشند که خداوند، آنان را با آن گرامی داشته است.

پی‌گفتار

پس از بحثی که پیش‌تر درباره‌ی علم و دانش گذشت، موضوع را در پهنه‌ی عمل، دنبال می‌کنیم. منظورم از عمل، عملی نیست که خوبی و نفعش، تنها به‌کننده‌ی آن عمل برسد، آری، چنین عملی، خوب است، اما کجاست عملی که نفعش، افزون بر عامل، به تمام امت اسلامی برسد؟

ما، باید با پذیرش باورهای درست، در جهت کاربست آن درباره‌ی خود و زیردستان و خانواده‌ی خویش گام برداریم و به همین بسنده نکنیم، بلکه دیگران را نیز به باورهای ناب اسلامی و کاربست آن‌ها فراخوانیم و آنان را از حقیقت دین، آگاه سازیم. هم‌چنین باید این روشن‌گری را در عرصه‌ی بیداری مردم و اطلاع‌رسانی به آنان از تلاش و تکاپوی دشمنان داخلی و خارجی و بیان تراژدی غم‌انگیز کنونی امت اسلامی نیز انجام دهیم. در این میان نباید از سختی‌ها و برخوردهای مردم و هم‌چنین قدرت‌های ماده‌باور و هواداران‌شان، خسته و درمانده شویم. اینک چاره‌ای جز عمل به دین و تلاش برای دین نداریم و باید مردم را بر باورها، گفتارها و کرده‌هایی گرد آوریم که مورد پسند خدا و رسول خدا است. در این راه، باید سختی‌های زیادی متحمل شویم، از این‌رو چاره‌ای جز جهاد در راه خدا و اعلان جنگ با دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا نداریم تا آن روز فرا رسد که هیچ فتنه‌ای به‌جا نماند و تنها دین و شریعت الهی، حاکم گردد.

خلاصه این‌که گمان نمی‌کنم با این چند سطر، وظایف مسلمانان را به‌طور شایسته بیان کرده باشم، البته امیدوارم که آنچه بیان شد، تذکر و یادداشتی برای همه‌ی ما باشد و خدای متعال، ما را از فواید آن بهره‌مند سازد.

الحمد لله في الأولى والآخرة